

دیوان بیدل غزلیات

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی

(جلد سوم)

«حرف م تا آخری»

مقدمه و ویرایش :

دکتر محمدسرور مولایی

سرشناسه	: بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، ۱۰۵۴-۱۱۳۲.
عنوان قراردادی	: دیوان، برگزیده.
عنوان و پندیدآور	: غزلیات بیدل / ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی؛ مقدمه و ویرایش محمد سرور مولایی.
مشخصات نشر	: تهران، علم، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ج ۳.
شابک	: (ج ۲): 9 - 727 - 405 - 964 (ج ۱): 0 - 726 - 405 - 964 (دوره ۵): 5 - 729 - 405 - 964 (ج ۳): 7 - 728 - 405 - 964
یادداشت	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۲.
شناسه افزوده	: مولایی، محمد سرور، ویراستار و مقدمه نویس.
رده بندی کنگره	: ب ۱۳۸۵ / ۱۹ آ ۶۶۴۵ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۱ / ۵
شماره کتابخانه ملی	: ۸۵-۳۵۱۳۱

نشر علم

غزلیات بیدل (جلد سوم)

ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی

مقدمه و ویرایش: دکتر محمد سرور مولایی

چاپ اول، ۱۳۸۶

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

حروفچینی: گنجینه

لینوگرافی: کوثر

چاپ: چاپخانه مهارت

خیابان انقلاب - بین خیابان فخر رازی و دانشگاه شماره ۱۳۵۸ - تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک ۷-۷۲۸-۴۰۵-۹۶۴ - 7 - 405 - 964 - ISBN

شابک دوره ۵-۷۲۹-۴۰۵-۹۶۴ - 5 - 405 - 964 - ISBN

فهرست مجلد سوم از غزلیات بیدل

شماره	مصراع اول مطلع	صفحه
۱۹۵۷-	آرزو بیتاب شد، ساز بیانی یافتیم.....	۱۶۲۹
۱۹۵۸-	آرزویی در گره بستم، در یکتا شدم.....	۱۶۲۹
۱۹۵۹-	آمد ز گلشن ناز، آن جوهر تبسم.....	۱۶۳۰
۱۹۶۰-	آمدم طرح بهار تازه ای انشا کنم.....	۱۶۳۱
۱۹۶۱-	آنی که بی تو من، همه جا بی سخن نیم.....	۱۶۳۲
۱۹۶۲-	آه دود آخته ای، می خواهم.....	۱۶۳۲
۱۹۶۳-	ادب سرشته عجزم، مپرس از آیینم.....	۱۶۳۳
۱۹۶۴-	از انفعال عشرت موهوم آگهم.....	۱۶۳۳
۱۹۶۵-	از بس که چون نگه، ز تحیر لبالبم.....	۱۶۳۴
۱۹۶۶-	از جراحت زار دل، چیده است دامن ناله ام.....	۱۶۳۴
۱۹۶۷-	از چاک گریبان، به دلی راه نکردیم.....	۱۶۳۵
۱۹۶۸-	از خیالت وحشت اندوز دل بی کینه ام.....	۱۶۳۵
۱۹۶۹-	از زندگی بجز غم فردا نمانده ایم.....	۱۶۳۶
۱۹۷۰-	از شوق تو ای شمع طرب، بعد هلاکم.....	۱۶۳۷
۱۹۷۱-	از ضعف بس که در همه جا دیر می رسم.....	۱۶۳۷
۱۹۷۲-	از عزت و خواری، نه امید است نه بیم.....	۱۶۳۸
۱۹۷۳-	از قاصد دلبر خبر دل طلبیدم.....	۱۶۳۹
۱۹۷۴-	از کتاب آرزو، بایی دگر نگشوده ام.....	۱۶۳۹
۱۹۷۵-	از کجا وهم دورنگی، به قدح ریخته بنگم.....	۱۶۴۰
۱۹۷۶-	از کمال سرکشی، عاجزترین عالمیم.....	۱۶۴۱

- ۱۹۷۷- از هر طلبی پیش ندامت، گله کردم ۱۶۴۲
- ۱۹۷۸- از هوس چون شمع اگر سر بر هوا برداشتم ۱۶۴۲
- ۱۹۷۹- ازین حسرت قفس، روزی دو مپسندید آزادم ۱۶۴۳
- ۱۹۸۰- ازین صحرای بی حاصل، دگر با خود چه بردارم؟ ۱۶۴۴
- ۱۹۸۱- اسمیم بی مسما، دیگر چه وانماییم؟ ۱۶۴۵
- ۱۹۸۲- اشک شمع می بود یک عمر، آبیار دانه ام ۱۶۴۶
- ۱۹۸۳- اگر دریا نگیرد خرده بریش و کم شبنم ۱۶۴۷
- ۱۹۸۴- اگر ساقی ز موج باده بندد رشته سازم ۱۶۴۸
- ۱۹۸۵- امشب آن مست فاز می رسدم ۱۶۴۹
- ۱۹۸۶- ای دلت حسرت کمین انتخاب صبحدم ۱۶۴۹
- ۱۹۸۷- ای طرب وجدی که باز آغوش گل وا می کنم ۱۶۵۰
- ۱۹۸۸- ای نرگست حیا کده صلح و جنگ هم ۱۶۵۱
- ۱۹۸۹- باده ندارم که به ساغر کنم ۱۶۵۲
- ۱۹۹۰- باز از جهان حسرت دیدار می رسم ۱۶۵۲
- ۱۹۹۱- باز بر خود تهمت عیشی چو بلبل بسته ام ۱۶۵۳
- ۱۹۹۲- باز بیتابانه ایجاد نوایی می کنم ۱۶۵۴
- ۱۹۹۳- باز دل مست نوایست که من می دانم ۱۶۵۵
- ۱۹۹۴- با صد حضور باز طلبکار آمدم ۱۶۵۵
- ۱۹۹۵- با عشق نه نامیست نه ننگم که بر آیم ۱۶۵۶
- ۱۹۹۶- باغ هستی نیست جز رنگی که گرداند عدم ۱۶۵۶
- ۱۹۹۷- به اقبال حضورت صد گلستان عیش در چنگم ۱۶۵۷
- ۱۹۹۸- با کف خاکستری، سودای اخگر کرده ایم ۱۶۵۸
- ۱۹۹۹- پاکم از رنگ هوس تا به سجود آمده ام ۱۶۵۹
- ۲۰۰۰- بالی از آزادی افشاندم، قفس پیمای شدم ۱۶۶۰
- ۲۰۰۱- با همه سرسبزی از سامان قدرت عازیم ۱۶۶۱
- ۲۰۰۲- با هیچکس حدیث نگفتن نگفته ام ۱۶۶۲
- ۲۰۰۳- پایمالیم و فارغ از گله ایم ۱۶۶۳
- ۲۰۰۴- به این طاقت نمی دانم چه خواهد بود انجامم ۱۶۶۳

- ۲۰۰۵- به باغی که چون صبح خندیده بودم ۱۶۶۴
- ۲۰۰۶- بین به ساز و میسر از ترانه‌ای که ندارم ۱۶۶۵
- ۲۰۰۷- به جستجوی خود از سمی بی دماغ گذشتم ۱۶۶۵
- ۲۰۰۸- به تحریک نقابش گو شود مایل سر انگشتم ۱۶۶۶
- ۲۰۰۹- به حسرت غنچه‌ام، یعنی به دلتنگی وطن دارم ۱۶۶۷
- ۲۰۱۰- به حیرت خویش را بیگانه ادراک می سازم ۱۶۶۸
- ۲۰۱۱- به دشت بیخودی آوازه شوق جرس دارم ۱۶۶۸
- ۲۰۱۲- به دل گردی ز هستی یافتم از خویشتن رفتم ۱۶۶۹
- ۲۰۱۳- به ذوق سجده‌ای باز از عدم گلیاز می آیم ۱۶۷۰
- ۲۰۱۴- به ذوق جستجویت جیب هستی چاک می سازم ۱۶۷۱
- ۲۰۱۵- بر آسمان رسانم و گر بر هوا برم ۱۶۷۲
- ۲۰۱۶- پرافشانم چو صبح اما گرفتاری هوس دارم ۱۶۷۳
- ۲۰۱۷- بر خموشی زده‌ام فکر خروشی دارم ۱۶۷۳
- ۲۰۱۸- بر سینه داغهای تمنّا نوشته‌ایم ۱۶۷۴
- ۲۰۱۹- برق حسنی در نظر دارم، به خود پیچیده‌ام ۱۶۷۴
- ۲۰۲۰- بر کاغذ آتش زده هر چند سواریم ۱۶۷۵
- ۲۰۲۱- برگ خودداری مجوید از دل دیوانه‌ام ۱۶۷۶
- ۲۰۲۲- بر ندارد شوخی از طبع ادب تخمیر شرم ۱۶۷۷
- ۲۰۲۳- به رنگ گلشن از فیض حضورت عشرت آهنگم ۱۶۷۸
- ۲۰۲۴- به رنگ خامه ز بس ناتوانی اجزایم ۱۶۷۹
- ۲۰۲۵- به رنگ شمع ممکن نیست سوز دل نهان دارم ۱۶۷۹
- ۲۰۲۶- پر نفس می سوخت ما و من، ز غیرت تن زدم ۱۶۸۰
- ۲۰۲۷- پرواز بی نشانی دارد دماغ جاهم ۱۶۸۱
- ۲۰۲۸- پروانه شوم یا پر طاووس گشایم؟ ۱۶۸۲
- ۲۰۲۹- برون دل نتوان یافت گرد جولانم ۱۶۸۲
- ۲۰۳۰- بریار اگر پیام دل تنگ می فرستم ۱۶۸۳
- ۲۰۳۱- به زور شعله آواز حسرت گرم رفتارم ۱۶۸۴
- ۲۰۳۲- بس که بی روی تو لبریز ندامت بوده‌ام ۱۶۸۴

- ۲۰۳۳- بس که چون سایه‌ام از روز ازل تیره رقم ۱۶۸۵
- ۲۰۳۴- بس که چون طاووس پیچیده است مستی در سرم ۱۶۸۶
- ۲۰۳۵- بس که دارد سوختن چون مجرم در دل مقام ۱۶۸۷
- ۲۰۳۶- بس که در شغل ندامت روز و شب جان می‌کنم ۱۶۸۸
- ۲۰۳۷- بس که در هجر تو فرسود از ضعیفی پیکرم ۱۶۸۹
- ۲۰۳۸- بس که نیرنگ قدح چیده است ذر اندیشه‌ام ۱۶۹۰
- ۲۰۳۹- به سعی ضعف گرفتم ز دام خویش نجستم ۱۶۹۰
- ۲۰۴۰- به سودای بهار جلوه‌ات، عمریست گریانم ۱۶۹۱
- ۲۰۴۱- به سودای هوس عمری درین بازار گردیدم ۱۶۹۲
- ۲۰۴۲- به صد غبار درین دشت مبتلا شده‌ام ۱۶۹۳
- ۲۰۴۳- به صد گردون تسلسل بست دور ساغر عشقم ۱۶۹۳
- ۲۰۴۴- به صد وحشت رفیق آه بی تأثیر گردیدم ۱۶۹۴
- ۲۰۴۵- بعد ازین از صحبت این دیو مردم، رم کنم ۱۶۹۵
- ۲۰۴۶- بعد ازین در گوشه دل چون نفس جا می‌کنم ۱۶۹۶
- ۲۰۴۷- به عرض جوهر طاقت درین محیط خموشم ۱۶۹۶
- ۲۰۴۸- بعد کشتن نیز پنهان نیست داغ بسملم ۱۶۹۷
- ۲۰۴۹- به عشقت گر همه یک داغ سامان بود در دستم ۱۶۹۸
- ۲۰۵۰- به فقر آخر سر و برگ فناء خویشتن گشتم ۱۶۹۹
- ۲۰۵۱- به کمین دعوی هستیم که چو شمعش از نظر افکنم ۱۷۰۰
- ۲۰۵۲- به کنج نیستی عمریست جای خویش می‌جویم ۱۷۰۱
- ۲۰۵۳- به لب حرف طلب دزد، به دل شور هوس سوزم ۱۷۰۲
- ۲۰۵۴- به نقش سخت رویی‌های مردم بس که حیرانم ۱۷۰۲
- ۲۰۵۵- به هر جا رفته‌ام از خویشتن، راه تو می‌پویم ۱۷۰۳
- ۲۰۵۶- به هرزمین که خبرگیری از سواد عدم ۱۷۰۴
- ۲۰۵۷- به هر طرف که هوای سفر شکست کلامم ۱۷۰۵
- ۲۰۵۸- به هستی از اثر اعتبار، مایه ندارم ۱۷۰۶
- ۲۰۵۹- به هوس چون پر طاووس چمنها دارم ۱۷۰۷
- ۲۰۶۰- به یاد نرگس او هر طرف احرام می‌بندم ۱۷۰۸

- ۲۰۶۱- بی تکلف گر گدا گشتیم و گر سلطان شدیم ۱۷۰۸
- ۲۰۶۲- بی تو در هر جا جنون جوش ندامت بوده‌ام ۱۷۰۹
- ۲۰۶۳- بی حوصلگی کرد درین بزم کبابم ۱۷۱۰
- ۲۰۶۴- بیخودی کردم ز حسن بی حجابش سر زدم ۱۷۱۱
- ۲۰۶۵- بیخودی ننهفت اسرار دل غم پیشه‌ام ۱۷۱۱
- ۲۰۶۶- بی دستگاہی بود، چون شمع در کمینم ۱۷۱۲
- ۲۰۶۷- بی دست و پا به خاک ادب نقش بسته‌ایم ۱۷۱۳
- ۲۰۶۸- بی روی تو گر گریه به اندازه کند چشم ۱۷۱۳
- ۲۰۶۹- بی شبهه تحقیق نه شخصم نه مثالم ۱۷۱۴
- ۲۰۷۰- بی شبهه نیست هستی، از بس که ناتوانیم ۱۷۱۵
- ۲۰۷۱- پیش آکه بخوانی رقم سینت ریشم ۱۷۱۶
- ۲۰۷۲- سرشک بیخودم، عیش می ناب دگر دارم ۱۷۱۷
- ۲۰۷۳- بی کس شهیدم خون هم ندارم ۱۷۱۷
- ۲۰۷۴- بیگانه وضعیم، یا آشناییم؟ ۱۷۱۸
- ۲۰۷۵- پیمانه غناکده بی مثالیم ۱۷۱۸
- ۲۰۷۶- تا به در یوزة راحت طلبیدن رفتم ۱۷۱۹
- ۲۰۷۷- تا جلوه‌ات پرافشاند، از آشیانه چشم ۱۷۲۰
- ۲۰۷۸- شب گردش چشمت قدحی داد به خوابم ۱۷۲۰
- ۲۰۷۹- تا چند به هر مرده و بیمار بگیریم؟ ۱۷۲۱
- ۲۰۸۰- تا چند ز غفلت طرب اندیش نشینم؟ ۱۷۲۱
- ۲۰۸۱- تا حسرت سر منزل او برد ز جایم ۱۷۲۱
- ۲۰۸۲- تا خامه وار خود را از سعی و اندازیم ۱۷۲۲
- ۲۰۸۳- تاخیر ندارد خط فرمان نجاتم ۱۷۲۳
- ۲۰۸۴- تا درین باغ گل افشان نمو گردیدم ۱۷۲۳
- ۲۰۸۵- تا دچار ناز کرد آن نرگس مستانه‌ام ۱۷۲۴
- ۲۰۸۶- تا سایه صفت آینه از زنگ زدودیم ۱۷۲۵
- ۲۰۸۷- تا دفتر حیرت ز رخس تازه کند چشم ۱۷۲۵
- ۲۰۸۸- تا کجا بوس کف پایت شود ارزانیم ۱۷۲۶

- ۲۰۸۹- تا کی ستم کند سر بی مغز بر تنم؟ ۱۷۲۶
- ۲۰۹۰- تا می ز جام همت بدمست می کشم ۱۷۲۷
- ۲۰۹۱- تا نفس آب زندگیست هیچ به بو نمی رسم ۱۷۲۸
- ۲۰۹۲- تحیر آینه عالم مثال خودم ۱۷۲۹
- ۲۰۹۳- تحیر سوخت پروازم، فسردهن کرد پامالم ۱۷۲۹
- ۲۰۹۴- تحیر مطلعی سرزد چو صبح از خویشتن رفتم ۱۷۳۰
- ۲۰۹۵- تو می رفتی و من، ساز قیامت باز می کردم ۱۷۳۱
- ۲۰۹۶- تو کریم مطلق و من گدا چه کنی جز این که نخوانیم؟ ۱۷۳۲
- ۲۰۹۷- تیغ آهی بر صدف اندوه امکان می کشم ۱۷۳۳
- ۲۰۹۸- جبهه فکر ز خجلت عرق افشان کردیم ۱۷۳۴
- ۲۰۹۹- چراغ خامشم، حسرت نگاه محفل خویشم ۱۷۳۵
- ۲۱۰۰- جز حیرت ازین مزرعه خرمن ننمودیم ۱۷۳۶
- ۲۱۰۱- جز سوختن به یادت، مشق دگر ندارم ۱۷۳۶
- ۲۱۰۲- چشم پوشیدیم بر ما و من استغنا زدیم ۱۷۳۷
- ۲۱۰۳- چشمش افکنده طرح بیدادم ۱۷۳۸
- ۲۱۰۴- چشم وا کردم به چندین رنگ و بو ساغر زدم ۱۷۳۸
- ۲۱۰۵- جغد ویرانه خیال خودیم ۱۷۳۹
- ۲۱۰۶- چکیدنهای اشکم، یا شکست شیشه رنگم؟ ۱۷۴۰
- ۲۱۰۷- چمن طراز شکوه جهان نیرنگم ۱۷۴۱
- ۲۱۰۸- چسان با دوست درد و داغ چندین ساله بنویسم؟ ۱۷۴۲
- ۲۱۰۹- چندین مژه بنشست رگ خواب به چشمم ۱۷۴۲
- ۲۱۱۰- جنون از بس قیامت ریخت بر آینه هوشم ۱۷۴۳
- ۲۱۱۱- جنون ذره ام، در ساز وحشت سخت قلاشم ۱۷۴۴
- ۲۱۱۲- چنین آفت نصیب از طبع راحت دشمن خویشم ۱۷۴۵
- ۲۱۱۳- چنین ز شرم که گردید، سرنگون جامم؟ ۱۷۴۶
- ۲۱۱۴- چنین کز گردش چشم تو می آید به جان انجم ۱۷۴۶
- ۲۱۱۵- چو اشک امشب به ساغر باده نابی دگر دارم ۱۷۴۷
- ۲۱۱۶- چو بوی گل به نظرها نقاب نگشودم ۱۷۴۸

- ۲۱۱۷- چو دریا یک قلم موجست شوق بیخودی هوشم ۱۷۴۹
- ۲۱۱۸- چو سایه خاک به سر داغم از غمی که ندارم ۱۷۵۰
- ۲۱۱۹- چو صبحم تا نقاب اعتبار خویش شق کردم ۱۷۵۱
- ۲۱۲۰- چو شمع از انفعال آگهی بیتاب می‌گردم ۱۷۵۱
- ۲۱۲۱- چو گوهر آخر از تجرید نقش مدعا بستم ۱۷۵۲
- ۲۱۲۲- جولان جنون آخر بر عجز رسا بستم ۱۷۵۳
- ۲۱۲۳- چو ماه نو به چندین حسرت از خود کام می‌گیرم ۱۷۵۴
- ۲۱۲۴- چو سرو از ناز برجوی حیا بالیدنت نازم ۱۷۵۵
- ۲۱۲۵- چون آینه چندان به برش تنگ گرفتم ۱۷۵۵
- ۲۱۲۶- چون حباب آن دم که سیر آهنگ این دریا شدم ۱۷۵۶
- ۲۱۲۷- چون خامه از ضعیفی افلاک دستگاهم ۱۷۵۷
- ۲۱۲۸- چون سبحه یک دو روز که با هم نشسته‌ایم ۱۷۵۸
- ۲۱۲۹- چون سپند اظهار مطلب از کجا پیدا کنم؟ ۱۷۵۹
- ۲۱۳۰- چون شرار کاغذ امشب، عیش خرمن می‌کنم ۱۷۶۰
- ۲۱۳۱- چون شمع روزگاری با شعله ساز کردم ۱۷۶۱
- ۲۱۳۲- چون شمع زحمتی که به شبگیر می‌کشم ۱۷۶۱
- ۲۱۳۳- چون شمع می‌روم ز خود و شعله قامت ۱۷۶۲
- ۲۱۳۴- چون تپش در دل نفس دزدیده‌ام ۱۷۶۲
- ۲۱۳۵- چون غنچه در خیال تو هرگاه رفته‌ایم ۱۷۶۳
- ۲۱۳۶- چون قلم راه تجرد بس که تنها رفته‌ایم ۱۷۶۴
- ۲۱۳۷- چون کاغذ آتش زده مهمان بقاییم ۱۷۶۵
- ۲۱۳۸- چون نگه عمریست داغ چشم حیران خودیم ۱۷۶۶
- ۲۱۳۹- چه حاجت است به بند گران تدبیرم ۱۷۶۷
- ۲۱۴۰- چه دولت است که من نامت از ادب گیرم ۱۷۶۷
- ۲۱۴۱- چه نیرنگست یارب در تماشاگاه تسخیرم ۱۷۶۷
- ۲۱۴۲- چیزی از خود هر قدم زیر قدم گم می‌کنم ۱۷۶۹
- ۲۱۴۳- حباب وار که کرد اینقدر گرفتارم؟ ۱۷۶۹
- ۲۱۴۴- حرف داغی لاله‌سان زیر زبان دزیده‌ایم ۱۷۷۰

- ۲۱۴۵- حرفم همه از مغز است، از پوست نمی‌گویم ۱۷۷۱
- ۲۱۴۶- حسرتی در دل نماند از بس که ما واسوختیم ۱۷۷۲
- ۲۱۴۷- حضور معینم گم گشت تا دل بر صور بستم ۱۷۷۳
- ۲۱۴۸- حیرت دمد از شوخی گل کردن رازم ۱۷۷۴
- ۲۱۴۹- حیف سازت که منش پرده آهنگ شدم ۱۷۷۴
- ۲۱۵۰- خاک بودم، آب گشتم، گل شدم ۱۷۷۵
- ۲۱۵۱- خاکم به سر که بی تو به گلشن نسوختم ۱۷۷۵
- ۲۱۵۲- خاموشم و بی تابی فریاد تو دارم ۱۷۷۶
- ۲۱۵۳- خاک نیمم امروز، دی محو باد بودیم ۱۷۷۶
- ۲۱۵۴- خراب راحتم، نپسندی ای تعمیر آزارم ۱۷۷۷
- ۲۱۵۵- خرمن هستی به برق وهم عقبی سوختیم ۱۷۷۸
- ۲۱۵۶- خط زناری که من چون سبجه املا می‌کنم ۱۷۷۹
- ۲۱۵۷- خلق را نسبت بیگانگی هست به هم ۱۷۸۰
- ۲۱۵۸- خلوت پرست گوشه حیرانی خودیم ۱۷۸۰
- ۲۱۵۹- خود را به عیش امکان، پر متهم نکردم ۱۷۸۱
- ۲۱۶۰- خوشا ذوقی که از دل عقده‌ای گر باز می‌کردم ۱۷۸۱
- ۲۱۶۱- خوشا عهدی که غم کوس تسلی می‌زد و دل هم ۱۷۸۲
- ۲۱۶۲- خون خوردم وزین باغ به رنگی نرسیدم ۱۷۸۳
- ۲۱۶۳- خیال آن مژه عمریست در نظر دارم ۱۷۸۴
- ۲۱۶۴- خیزکز درس دویی، سر خط عاری گیریم ۱۷۸۴
- ۲۱۶۵- داغم از کیفیت آگاهی و اوهام هم ۱۷۸۵
- ۲۱۶۶- در آن محفل کیم من؟ تا بگویم این و آن دارم ۱۷۸۶
- ۲۱۶۷- در تجرّد تهمت‌ی دیگر، ندوزی بر تنم ۱۷۸۷
- ۲۱۶۸- در جگر صدرنگ طوفان کرده‌ایم ۱۷۸۸
- ۲۱۶۹- در جنون گر نگسلد، پیمان فرمان ناله‌ام ۱۷۸۸
- ۲۱۷۰- در جیب غنچه بوی بهاریست رنگ هم ۱۷۸۹
- ۲۱۷۱- در حسرت آن شمع طرب بعد هلاکم ۱۷۹۰
- ۲۱۷۲- در راه عشق توشه امنی نبرده‌ام ۱۷۹۰

- ۲۱۷۳- در رهت نارفته از خود هر طرف سر می‌زنیم..... ۱۷۹۱
- ۲۱۷۴- در عالم حق شهرت باطل چه فروشم؟..... ۱۷۹۲
- ۲۱۷۵- در کارگاه تحقیق غیر از عدم نبودیم..... ۱۷۹۲
- ۲۱۷۶- در گلستان که محو آن گل خودرو شدم..... ۱۷۹۳
- ۲۱۷۷- در مکتب تأمل فارغ ز صوت و حرفم..... ۱۷۹۴
- ۲۱۷۸- درین حیرت سرا عمریست افسون جرس دارم..... ۱۷۹۴
- ۲۱۷۹- درین گلشن نه بویی دیدم و نی رنگ فهمیدم..... ۱۷۹۵
- ۲۱۸۰- دست و پا گم کرده شوق تماشای توام..... ۱۷۹۶
- ۲۱۸۱- دل با تو سفر کرد و تهی ماند کنارم..... ۱۷۹۷
- ۲۱۸۲- دلبر شد و من پا به دل سخت فشردم..... ۱۷۹۹
- ۲۱۸۳- دل حیرت آفرینست، هر سو نظر گشاییم..... ۱۷۹۹
- ۲۱۸۴- دل را به مستی از من و ما ساده می‌کنم..... ۱۸۰۱
- ۲۱۸۵- دل را به یاد روی کسی یاد می‌کنم..... ۱۸۰۱
- ۲۱۸۶- دلیل کاروان اشکم آه سرد را مانم..... ۱۸۰۲
- ۲۱۸۷- دعوت تنزیه حسن بی مثالی می‌کنم..... ۱۸۰۳
- ۲۱۸۸- دمی چون شمع گر جیب تغافل چاک می‌کردم..... ۱۸۰۳
- ۲۱۸۹- دیده انتظار را دام امید کرده‌ایم..... ۱۸۰۴
- ۲۱۹۰- دیده‌ای داری چه می‌پرسی ز جیب و دامنم..... ۱۸۰۵
- ۲۱۹۱- دیده را باز به دیدار که حیران کردیم؟..... ۱۸۰۶
- ۲۱۹۲- دیده مشتاقی از هرمو به بار آورده‌ام..... ۱۸۰۷
- ۲۱۹۳- دور از آن در، چند در هردشت و در گرداندم؟..... ۱۸۰۷
- ۲۱۹۴- دو روزی گو به خون گل کرده باشد چشم نمناکم..... ۱۸۰۸
- ۲۱۹۵- دور هستی پیش از گامی تماش کرده‌ایم..... ۱۸۰۹
- ۲۱۹۶- دوری بزم در غم و شادی گر کند این می قسمت جامم..... ۱۸۱۰
- ۲۱۹۷- دوش چون نی سطر دردی می‌چکید از خامه‌ام..... ۱۸۱۱
- ۲۱۹۸- دوش کز دود جگر طرح شبستان کردیم..... ۱۸۱۱
- ۲۱۹۹- دوش کز سیر بهار سوختن سر برزدم..... ۱۸۱۲
- ۲۲۰۰- دوش گستاخ به نظاره جانان رفتم..... ۱۸۱۳

- ۲۲۰۱- رفت فرصت ز کف اما من حیرت زده هم..... ۱۸۱۴
- ۲۲۰۲- رفتم از خویش و به بزم جلوه اش لنگر زدم..... ۱۸۱۴
- ۲۲۰۳- رفتم ز خویش و یاد نگاهبست حالیم..... ۱۸۱۵
- ۲۲۰۴- رنگ پر ریخته الفت گلزار توایم..... ۱۸۱۶
- ۲۲۰۵- زان بهار ناز حیرانم چه سامان کرده ام..... ۱۸۱۶
- ۲۲۰۶- زان پری چون شیشه تاکی شکوه خالی کنم..... ۱۸۱۷
- ۲۲۰۷- زان ناله که شب بی رخت افراخته بودم..... ۱۸۱۸
- ۲۲۰۸- ز بال نارسا بر خویش پیچیده است پروازم..... ۱۸۱۸
- ۲۲۰۹- ز بس صرف ادب پیمایی عجز است احوالم..... ۱۸۱۹
- ۲۲۱۰- ز بس ضعیف مزاج جهان تدبیرم..... ۱۸۲۰
- ۲۲۱۱- ز بس که حیرت دیدار برده است ز هوشم..... ۱۸۲۱
- ۲۲۱۲- ز بس که شور جنون گشت برق کلیه هوشم..... ۱۸۲۲
- ۲۲۱۳- ز بس گرد وحشت گرفته است تنگم..... ۱۸۲۲
- ۲۲۱۴- ز بس لبریز حسرت دارد، امشب شوق دیدارم..... ۱۸۲۳
- ۲۲۱۵- ز تحقیق نقوش لوح امکان رفع شک کردم..... ۱۸۲۴
- ۲۲۱۶- ز چاک سینه آهی می نویسم..... ۱۸۲۴
- ۲۲۱۷- ز حرف راحت اسباب دنیا پنبه در گوشم..... ۱۸۲۵
- ۲۲۱۸- ز خمی به دل از دست نگارین تو دارم..... ۱۸۲۶
- ۲۲۱۹- ز خود تهی شدم، از عالم خراب گذشتم..... ۱۸۲۶
- ۲۲۲۰- ز خودداری چو موج گوهر آخر سنگ گردیدم..... ۱۸۲۸
- ۲۲۲۱- ز خورشید جمالش تا عرق سازد عیان انجم..... ۱۸۲۸
- ۲۲۲۲- ز دست عافیت داغم سپند یأس پروردم..... ۱۸۲۹
- ۲۲۲۳- ز دشت بی خودی می آیم، از وضع ادب دورم..... ۱۸۳۰
- ۲۲۲۴- ز دل چو غنچه یک چاک گریبانگیر می خواهم..... ۱۸۳۰
- ۲۲۲۵- ز رنگ ناز چون گل بزم عشرت چیدنت نازم..... ۱۸۳۱
- ۲۲۲۶- ز سودای چشم تو تا کام گیرم..... ۱۸۳۲
- ۲۲۲۷- ز سورو ماتم این انجمنها کی خبر دارم؟..... ۱۸۳۲
- ۲۲۲۸- ز صد ابرام بیش است، انفعال چشم حیرانم..... ۱۸۳۳

- ۲۲۲۹- ز علم و عمل نکته‌ها گوش کردم ۱۸۳۴
- ۲۲۳۰- ز فیض گریه سرشاره افسردن فراموشم ۱۸۳۵
- ۲۲۳۱- ز فیض ناتوانی مصرعی در خلق ممتازم ۱۸۳۵
- ۲۲۳۲- زندگی را از قد خم، عبرت آگه می‌کنم ۱۸۳۶
- ۲۲۳۳- ز نور و عالم امکان، گر انتخاب گزینم ۱۸۳۷
- ۲۲۳۴- زین باغ تا ستمکش نشو و نما شدم ۱۸۳۸
- ۲۲۳۵- زین باغ همچو شبنم، رنج خیال بردم ۱۸۳۸
- ۲۲۳۶- زین سجده خود دار، تفاخر چه فروشم؟ ۱۸۳۹
- ۲۲۳۷- زین صفرکز عدم در هستی گشوده‌ایم ۱۸۴۰
- ۲۲۳۸- زین گریه اگر باد برد حاصل خاکم ۱۸۴۰
- ۲۲۳۹- سایه‌وار از نارسایان جهان غربتم ۱۸۴۱
- ۲۲۴۰- سراغ عیش ز عمر نمانده می‌گیرم ۱۸۴۱
- ۲۲۴۱- سر اگر بر آسمان یا بر زمین مالیده‌ام ۱۸۴۲
- ۲۲۴۲- سر تمنای پای بوسی، به هردر و دشت می‌کشیدم ۱۸۴۳
- ۲۲۴۳- سحر ز شرم رخت، مطلعی به تاب رساندم ۱۸۴۴
- ۲۲۴۴- سحر کیفیت دیدار از آینه پرسیدم ۱۸۴۵
- ۲۲۴۵- سر خط نازیست امشب، زخمهای سینه‌ام ۱۸۴۶
- ۲۲۴۶- سرخوش آن نرگس مستانه‌ایم ۱۸۴۶
- ۲۲۴۷- سر مه شد آخر به خواب بیخودیها پیکرم ۱۸۴۷
- ۲۲۴۸- سطری اگر ز وضع جهان وا نوشته‌ایم ۱۸۴۸
- ۲۲۴۹- سنگ را هم می‌خورد، حرصی که دارد احتشام ۱۸۴۸
- ۲۲۵۰- سودیم سراپای و به پای نرسیدیم ۱۸۴۹
- ۲۲۵۱- سینه چاک یک جهان گرد هوس بالیده‌ام ۱۸۵۰
- ۲۲۵۲- شب از رویت سخندهای بهار اندوده می‌گفتم ۱۸۵۰
- ۲۲۵۳- شب از یاد خطت سر رشته جان بود در دستم ۱۸۵۱
- ۲۲۵۴- شباب رفت و من از یأس مبتلا ماندم ۱۸۵۲
- ۲۲۵۵- شب بزم خیال به دل سوخته چیدم ۱۸۵۳
- ۲۲۵۶- شب چشم امتیازی بر خویش باز کردم ۱۸۵۳

- ۲۲۵۷- شب جوش بهاری به دل تنگ شکستم ۱۸۵۴
- ۲۲۵۸- شب که آینه آن آینه رو گردیدم ۱۸۵۴
- ۲۲۵۹- شب که در حسرت دیدار کمین می کردم ۱۸۵۵
- ۲۲۶۰- شب که عبرت را دلیل این شبستان یافتم ۱۸۵۵
- ۲۲۶۱- شب وصل است از بخت اندکی توقیر می خواهم ۱۸۵۷
- ۲۲۶۲- شبی که بی توجّهان را به یأس تنگ برآرم ۱۸۵۸
- ۲۲۶۳- شبی کز خیال تو گل چیده بودم ۱۸۵۹
- ۲۲۶۴- شبی مشتاق رنگ آمیزی تصویر دل گشتم ۱۸۶۰
- ۲۲۶۵- شبی سیر خیال نقش پای دلبر با کردم ۱۸۶۱
- ۲۲۶۶- شرار سنگم و در فکر کار خویش می سوزم ۱۸۶۱
- ۲۲۶۷- شرار کاغذ فرصت کمینم ۱۸۶۲
- ۲۲۶۸- شررواری ز فرصت، رونمای خویش می جویم ۱۸۶۳
- ۲۲۶۹- شعله بی طاقی، افسرده در خاکسترم ۱۸۶۴
- ۲۲۷۰- شعورت خواه مستم و انماید خواه مخمورم ۱۸۶۴
- ۲۲۷۱- شکوه اسباب چند؟ دل به رمیدن دهیم ۱۸۶۵
- ۲۲۷۲- شکوه فقر ملک بی نیازی کرد تسلیمم ۱۸۶۶
- ۲۲۷۳- شمع سان چشمی کز اشک آتشین تر می کنم ۱۸۶۷
- ۲۲۷۴- شمعی از وحشت نگاهی، انجمن گم کرده ام ۱۸۶۸
- ۲۲۷۵- شور آفاقست جوشی از دل دیوانه ام ۱۸۶۸
- ۲۲۷۶- صبحست و ما دماغ تمنا رسانده ایم ۱۸۶۹
- ۲۲۷۷- صبح تمنا دمید، دل چمنستان کنیم ۱۸۷۰
- ۲۲۷۸- صد بیابان جنون، آن طرف هوش خودم ۱۸۷۰
- ۲۲۷۹- صد شکر که جز عجز گیاهی ندیدیم ۱۸۷۱
- ۲۲۸۰- صفحه هستی شرر تاراج آهی می کنیم ۱۸۷۲
- ۲۲۸۱- صورت خود ز تو نشناختم ۱۸۷۳
- ۲۲۸۲- صید کمند شوقیست، از مهر تا به ماهم ۱۸۷۳
- ۲۲۸۳- عافیت ها در مزاج پرفشان دزدیده ام ۱۸۷۴
- ۲۲۸۴- عبرت انجمن جایست مأمنی که من دارم ۱۸۷۵

- ۲۲۸۵- عبث خود را چو آتش، تهمت آلود غضب کردم ۱۸۷۶
- ۲۲۸۶- عزّت کلاه بی سر و سامانی خودیم ۱۸۷۶
- ۲۲۸۷- عشق هوایی زد به صد مستی جنون باز آمدیم ۱۸۷۷
- ۲۲۸۸- عمرها شد از ادب موج گهر در دامنم ۱۸۷۸
- ۲۲۸۹- عمرها شد عرق از هستی مبهم داریم ۱۸۷۹
- ۲۲۹۰- عمرها شد نقد دل، بر چشم حیرانست وام ۱۸۸۰
- ۲۲۹۱- عمریست به صحرای طلب، عجز داریم ۱۸۸۱
- ۲۲۹۲- عمریست در نظرها اشک عرق نقایم ۱۸۸۱
- ۲۲۹۳- عمریست ز اسباب غنا هیچ ندارم ۱۸۸۲
- ۲۲۹۴- عمریست قیامتکده گردش حالم ۱۸۸۳
- ۲۲۹۵- عمریست چون نفس به تپیدن فسانه ام ۱۸۸۳
- ۲۲۹۶- عروج همّتی در کار دارم ۱۸۸۴
- ۲۲۹۷- غبار عجز پروازی، مقیم دامن خویشم ۱۸۸۴
- ۲۲۹۸- غبار یأسم به هرتپیدن هزار بیداد می نگارم ۱۸۸۵
- ۲۲۹۹- فرصت کمین پرواز، چون ناله سپندیم ۱۸۸۶
- ۲۳۰۰- فریاد کز توهم نامحرم حضوریم ۱۸۸۷
- ۲۳۰۱- فردن نیست ممکن دست بردارد ز پهلویم ۱۸۸۸
- ۲۳۰۲- فرسوده در غبار دهر، چون آینه زنگارم ۱۸۸۹
- ۲۳۰۳- فغان گل می کند هرگه به وحشت گام بردارم ۱۸۹۰
- ۲۳۰۴- فهم حقیقت من و ما را بهانه ام ۱۸۹۱
- ۲۳۰۵- قابل بار امانت ها، مگو آسان شدیم ۱۸۹۱
- ۲۳۰۶- قصه دیوانگان دارد سراسر نامه ام ۱۸۹۲
- ۲۳۰۷- ققای زانوی پیری، مقیم خلوت خویشم ۱۸۹۳
- ۲۳۰۸- قیامت کرد گل در پیرهن بالیدنت نازم ۱۸۹۳
- ۲۳۰۹- قیامت می کند حسرت مپرس از طبع ناشادم ۱۸۹۴
- ۲۳۱۰- کاش یک نم گردش چشم تری می داشتم ۱۸۹۵
- ۲۳۱۱- کام از جهان گرفتم و ناکام هم شدم ۱۸۹۶
- ۲۳۱۲- گاه خرد جوهرم، گاه جنون خودم ۱۸۹۷

- ۲۳۱۳- گاهی به ناله، گه به تپش، گرد می‌کنم ۱۸۹۷
- ۲۳۱۴- کباب عافیتم بی دماغ افسر جاهم ۱۸۹۸
- ۲۳۱۵- گذشت عمر و شکست دل آشکار نکردم ۱۸۹۹
- ۲۳۱۶- گر از سایه یک نقش پا برترم ۱۸۹۹
- ۲۳۱۷- گر به پرواز و گر از سعی تپیدن رفتم ۱۹۰۰
- ۲۳۱۸- گر چراغ از نفس سوخته برمی‌کردم ۱۹۰۱
- ۲۳۱۹- گر در هوای او، قدمی پیش رفته‌ایم ۱۹۰۱
- ۲۳۲۰- کر شدم تا چند شور حق و باطل بشنوم؟ ۱۹۰۲
- ۲۳۲۱- گر لبی را به هوس ناله کمین می‌کردم ۱۹۰۳
- ۲۳۲۲- گر ما گوئیم، ما کجاییم؟ ۱۹۰۳
- ۲۳۲۳- گر نه شرابم چرا ساقی خون خودم؟ ۱۹۰۴
- ۲۳۲۴- کف خاکستری می‌جوشم، از خود پاک می‌گردم ۱۹۰۴
- ۲۳۲۵- کف خاکم چسان مقبول جستجوی او گردم؟ ۱۹۰۵
- ۲۳۲۶- کند هرجا عرق زان ماه تابان گل‌فشان انجم ۱۹۰۶
- ۲۳۲۷- کو جهد که چون بوی گل از هوش خود افتم؟ ۱۹۰۷
- ۲۳۲۸- کو شور دماغی؟ که به سودای تو افتم ۱۹۰۷
- ۲۳۲۹- کو فضایی که نفس را ز دل آزاد کنم؟ ۱۹۰۸
- ۲۳۳۰- گهی بر صبح پیچیدم، گهی با گل جنون کردم ۱۹۰۸
- ۲۳۳۱- گهی حجاب و گه آئینه جمال توام ۱۹۰۹
- ۲۳۳۲- گهی در شعله می‌غلتم، گهی با آب می‌جوشم ۱۹۱۰
- ۲۳۳۳- کی در قفس و دام هوا و هوس افتم؟ ۱۹۱۱
- ۲۳۳۴- مرسید از معاش خنده عنوانی که من دارم ۱۹۱۱
- ۲۳۳۵- محو دلم، مپرس ز تحقیق عنصرم ۱۹۱۲
- ۲۳۳۶- مرده‌ام اما همان خجلت طراز هستیم ۱۹۱۳
- ۲۳۳۷- مزرع تسلیم ادب حاصلم ۱۹۱۳
- ۲۳۳۸- مژه خواباندم و دل را به جمعیت علم کردم ۱۹۱۴
- ۲۳۳۹- مسلمان گشتم و هیچ از میان نگسست ز تارم ۱۹۱۵
- ۲۳۴۰- مشت عرق ز جبهه به هرباب ریختم ۱۹۱۵

- ۲۳۴۱- مقیم وحدتم هرچند در کثرت وطن دارم..... ۱۹۱۶
- ۲۳۴۲- من درین بحر نه کشتی نه کدو می آرم..... ۱۹۱۷
- ۲۳۴۳- من خاکسار گردن ز کجا بلند کردم؟..... ۱۹۱۷
- ۲۳۴۴- منم آن نشئه فطرت که خمستان قدیم..... ۱۹۱۸
- ۲۳۴۵- موج ما را شرم دریای کرم..... ۱۹۱۸
- ۲۳۴۶- می پرست ایجادم نشئه ازل دارم..... ۱۹۱۹
- ۲۳۴۷- می دهد زیب عمارت از خرابی خانه ام..... ۱۹۲۰
- ۲۳۴۸- می رسد گویند باز آن آفتاب صبحدم..... ۱۹۲۱
- ۲۳۴۹- میم به ساغر اگر خشک شد خمار ندارم..... ۱۹۲۲
- ۲۳۵۰- ناله عجز نوای لب خاموش خودم..... ۱۹۲۳
- ۲۳۵۱- نه بر صحرای نظر دارم، نه در گلزار می گردم..... ۱۹۲۳
- ۲۳۵۲- نیری گمان فسرده گی به غبار بی سر و پاییم..... ۱۹۲۴
- ۲۳۵۳- ندارد آن قدر قطع از جهان غفلت اسبابم..... ۱۹۲۵
- ۲۳۵۴- ندارم رشته دیگر که آیین طلب بندم..... ۱۹۲۶
- ۲۳۵۵- ندانم مژده وصل که شد برق افکن هوشم..... ۱۹۲۷
- ۲۳۵۶- ندانم مژده آواز پای کیست در گوشم؟..... ۱۹۲۸
- ۲۳۵۷- نسخه هیچیم، وهمی از عدم آورده ایم..... ۱۹۲۹
- ۲۳۵۸- نشد از سعی تمکین وحشتی، آسودگی رامم..... ۱۹۳۰
- ۲۳۵۹- نشنیده حرف چند، که ما گوش کرده ایم..... ۱۹۳۱
- ۲۳۶۰- نفس را بعد ازین در سوختن افسانه می سازم..... ۱۹۳۱
- ۲۳۶۱- نفسی چند جدا از نظرت می گردم..... ۱۹۳۲
- ۲۳۶۲- نگه واری بسست از جیب عبرت سر بر آوردم..... ۱۹۳۳
- ۲۳۶۳- نمی باشد تهی یک پرده، از آهنگ تسخیرم..... ۱۹۳۳
- ۲۳۶۴- نمی دانم هجوم آباد سودای چه نیرنگم؟..... ۱۹۳۴
- ۲۳۶۵- ننمود غنچه ات آنقدر ادب اقتضای تألمم..... ۱۹۳۵
- ۲۳۶۶- نور جان در ظلمت آباد بدن گم کرده ام..... ۱۹۳۶
- ۲۳۶۷- نه تعین نه ناز می رسدم..... ۱۹۳۷
- ۲۳۶۸- نه تنها ناامید وصل یارم، دور از دل هم..... ۱۹۳۸

- ۲۳۶۹- نه خط شناس امیدم، نه درس محرم بیم..... ۱۹۳۸
- ۲۳۷۰- نه دنیا دیدم و نی سوی عقبی چشم واکردم..... ۱۹۳۹
- ۲۳۷۱- نه عبادت نه ریاضت کردم..... ۱۹۴۰
- ۲۳۷۲- نه فکر غنچه، نی اندیشه گل می کند شبنم..... ۱۹۴۱
- ۲۳۷۳- نه لفظ از پرده می جوشد نه معنی می دهد رویم..... ۱۹۴۲
- ۲۳۷۴- نه گردون بلندی، نی زمین پستی خویشم..... ۱۹۴۳
- ۲۳۷۵- نه مضمون نقش می بندم، نه لفظ از پرده می جوشم..... ۱۹۴۳
- ۲۳۷۶- نه وحدت سرایم، نه کثرت نوایم..... ۱۹۴۴
- ۲۳۷۷- نیست در میدان عبرت، باکی از نیک و بدم..... ۱۹۴۵
- ۲۳۷۸- نی سر تعمیر دل دارم، نه تن می پرورم..... ۱۹۴۵
- ۲۳۷۹- نیرنگ جلوئه که به دل نقش بسته ام؟..... ۱۹۴۶
- ۲۳۸۰- نی قابل سودم، نه سزاوار زیانم..... ۱۹۴۷
- ۲۳۸۱- واکرد صبح آهی بردل در تبسم..... ۱۹۴۷
- ۲۳۸۲- وحشتی کو تا وداع این همه غوغا کنم؟..... ۱۹۴۸
- ۲۳۸۳- وداع دور گرد عرصه آرام رم کردم..... ۱۹۴۹
- ۲۳۸۴- وقتست کنم شور جنون عام و بگریم..... ۱۹۵۰
- ۲۳۸۵- وقتست کنیم گریه با هم..... ۱۹۵۰
- ۲۳۸۶- هرچند درین مرحله بی تاب و توانم..... ۱۹۵۱
- ۲۳۸۷- هرکه به برگ و ساز معیشت گریستم..... ۱۹۵۱
- ۲۳۸۸- هزار آینه با خود دچار کردم و دیدم..... ۱۹۵۲
- ۲۳۸۹- هستی نیاز دیده نمناک کرده ام..... ۱۹۵۳
- ۲۳۹۰- همجو آتش چند با هر خشک مغزی مشتعل گردم..... ۱۹۵۳
- ۲۳۹۱- همجو آینه تحیر سفرم..... ۱۹۵۴
- ۲۳۹۲- همجو شمع از خویش برد انداز وحشت برترم..... ۱۹۵۴
- ۲۳۹۳- هنرها عرضه دادم، باصفای دل حسد کردم..... ۱۹۵۵
- ۲۳۹۴- هیچ می دانی مال خود چرا نشناختیم؟..... ۱۹۵۶
- ۲۳۹۵- هیاهات تا که از نظرم رفت دلبرم..... ۱۹۵۷
- ۲۳۹۶- یاد آن فرصت که عیش رایگانی داشتیم..... ۱۹۵۸

- ۲۳۹۷- یاد آن فرصت که ما هم عذر لنگی داشتیم ۱۹۵۹
- ۲۳۹۸- یاد من کردی به سامان گشت ناز هستیم ۱۹۶۰
- ۲۳۹۹- یاران نه در چمن نه به باغی رسیده ایم ۱۹۶۰
- ۲۴۰۰- یک چشم حیرتست، ز سر تا به پالم ۱۹۶۱
- ۲۴۰۱- یک دم آسایش، به صد ابرام پیدا کرده ایم ۱۹۶۱
- ۲۴۰۲- آخر از بار تعلق های اسباب جهان ۱۹۶۲
- ۲۴۰۳- آزادی آخر بد باخت با من ۱۹۶۳
- ۲۴۰۴- آسان مکن تصوّر، بار مغان کشیدن ۱۹۶۳
- ۲۴۰۵- آفتست اینجا مباحش ایمن، ز سر برداشتن ۱۹۶۴
- ۲۴۰۶- آگهی تاکی کند روشن چراغ خویشتن ۱۹۶۵
- ۲۴۰۷- آن عجز شهیدم که به صد رنگ تپیدن ۱۹۶۶
- ۲۴۰۸- آه با مقصد تسیم نیوستم من ۱۹۶۷
- ۲۴۰۹- آه ناکام چه مقدار توان خون خوردن ۱۹۶۷
- ۲۴۱۰- آینه وصل چیست؟ حیرتی آراستن ۱۹۶۷
- ۲۴۱۱- از تب شوق که دارد اینقدر تاب استخوان ۱۹۶۸
- ۲۴۱۲- از جوان حسن سلوک پیر، نتوان یافتن ۱۹۶۹
- ۲۴۱۳- از خاک یک دو پایه فروتر نزول کن ۱۹۷۰
- ۲۴۱۴- از خود آرایی به جنس جاودان لنگر مکن ۱۹۷۰
- ۲۴۱۵- از، خود سری مچینید، ادبار تا به گردن ۱۹۷۱
- ۲۴۱۶- از سعی ما نیامد، جز زور در گریبان ۱۹۷۳
- ۲۴۱۷- از دیده سراغ دل دیوانه طلب کن ۱۹۷۴
- ۲۴۱۸- از ناله دل ما تاکی رمیده رفتن؟ ۱۹۷۵
- ۲۴۱۹- اشکم زیبقراری، زد بر در چکیدن ۱۹۷۵
- ۲۴۲۰- انفعال باطن خاموش دارد بوی خون ۱۹۷۶
- ۲۴۲۱- اگر حسرت پرستی، خدمت ترک تمنا کن ۱۹۷۶
- ۲۴۲۲- اگر مشّت غبار خود، پریشان می توان کردن ۱۹۷۷
- ۲۴۲۳- ای اثرهای خرامت چشم حیران در کمین ۱۹۷۸
- ۲۴۲۴- ای التفات نام تو گிரایی زبان ۱۹۷۹

- ۲۴۲۵- ای به عشرت متهم، سامان دردسر مکن ۱۹۸۰
- ۲۴۲۶- ای حاجت دلیل به ادبار زیستن ۱۹۸۱
- ۲۴۲۷- ای خواجه، خودستایی اقبال سر مکن ۱۹۸۱
- ۲۴۲۸- ای رنگ طرب باخته، خون در طبقی کن ۱۹۸۲
- ۲۴۲۹- ای عجز سجده کار، طلب کن جبین ز من ۱۹۸۲
- ۲۴۳۰- ای هرزه در، ناله به لب دزد، گره کن ۱۹۸۳
- ۲۴۳۱- باز چون جاده به پایی که ندارد رفتن ۱۹۸۳
- ۲۴۳۲- یا ما نساخت آخر، ذوق شراب خوردن ۱۹۸۳
- ۲۴۳۳- به این حیرت اگر باشد خروشی ناگزیر من ۱۹۸۴
- ۲۴۳۴- به تماشای این چمن، در مژگان واز کن ۱۹۸۵
- ۲۴۳۵- به خود پیچیده ام، نالیدنم نتوان گمان بردن ۱۹۸۶
- ۲۴۳۶- به خودداری فسرده، گرم کردی جای بگذشتن ۱۹۸۷
- ۲۴۳۷- به دل گریک شرر، شوق تو پنهان می توان کردن ۱۹۸۸
- ۲۴۳۸- بر آن سرم کز جنون نمایم، بلند و پست خیال یک سان ۱۹۸۹
- ۲۴۳۹- بر حیرت اوضاع جهان، یک مژه خم زن ۱۹۸۹
- ۲۴۴۰- بر خط ترک طلب، گر راه خواهی یافتن ۱۹۹۰
- ۲۴۴۱- بر شیشه خانه دل افسرده، سنگ زن ۱۹۹۱
- ۲۴۴۲- پرملاف از جوهر باریک بینی داشتن ۱۹۹۲
- ۲۴۴۳- پریشان کرد چون خاموشیم آواز گردیدن ۱۹۹۳
- ۲۴۴۴- بسته ام چشم امید، از الفت اهل جهان ۱۹۹۳
- ۲۴۴۵- به سعی بی نشانی، آن سوی امکان رهی واکن ۱۹۹۴
- ۲۴۴۶- بس که ناموس وفا دارد کمین حال من ۱۹۹۵
- ۲۴۴۷- بعد مردن از غبارم کیست تا یابد نشان؟ ۱۹۹۶
- ۲۴۴۸- بعد مردن گر همین داغست وحشت زای من ۱۹۹۷
- ۲۴۴۹- بگذشت ز خاکم بت گل پیرهن من ۱۹۹۸
- ۲۴۵۰- به کنج ابروی دلدار، خال فتنه کمین ۱۹۹۹
- ۲۴۵۱- به مطلب می رساند، وحشت از آفاق ورزیدن ۱۹۹۹
- ۲۴۵۲- به وادی که فروشد غبار ما ننشستن ۲۰۰۰

- ۲۴۵۳- به هم این و آن خون شد دل غفلت پرست من ۲۰۰۱
- ۲۴۵۴- از چرخ بار منت، تا کی توان کشیدن؟ ۲۰۰۱
- ۲۴۵۵- به پهلوی ناوک درد که دارد گوشه گیر من؟ ۲۰۰۲
- ۲۴۵۶- به هرجا پرتو حسنت، برافروزد چراغ من ۲۰۰۳
- ۲۴۵۷- بیا ای گرد راحت خرم من حسن ۲۰۰۴
- ۲۴۵۸- پیر گشتم، چند رنج آب و گل برداشتن؟ ۲۰۰۴
- ۲۴۵۹- بی سراخی نیست گرد هستی وحشت کمین ۲۰۰۵
- ۲۴۶۰- بی سیر عبرتی نیست، ترک حیا نکردن ۲۰۰۵
- ۲۴۶۱- بی نشان حسنی که درس جلوه می خواند ز من ۲۰۰۶
- ۲۴۶۲- بینم تا کیم آرد جنون زین دامگه بیرون ۲۰۰۷
- ۲۴۶۳- تا به کی باشی قفس فرسوده شان نگین؟ ۲۰۰۸
- ۲۴۶۴- تا به کی چون شمع باید تاج زر برداشتن؟ ۲۰۰۹
- ۲۴۶۵- تا بگذرم به صد سر و گردن ز آسمان ۲۰۱۰
- ۲۴۶۶- تا تب عشق آتشم را داد سر در سوختن ۲۰۱۱
- ۲۴۶۷- تا چند به عیب من و ما چشم گشودن؟ ۲۰۱۲
- ۲۴۶۸- تا فلک بر باد ناکامی دهد تسکین من ۲۰۱۲
- ۲۴۶۹- تا کی غرور انجمن آرایی زبان؟ ۲۰۱۳
- ۲۴۷۰- تب و تاب اشک چکیده ام، که رسید به معنی راز من؟ ۲۰۱۴
- ۲۴۷۱- ترشح مایه نازی، دلی را محو احسان کن ۲۰۱۵
- ۲۴۷۲- تغافل دارد از اسباب امکان اقتدار من ۲۰۱۶
- ۲۴۷۳- تمثال فنایم، چه نشان؟ کو اثر من؟ ۲۰۱۷
- ۲۴۷۴- جان کنی ها چیده هستی تا عدم بنیاد من ۲۰۱۷
- ۲۴۷۵- جایی که بود پیش بری، پیش نبردن ۲۰۱۸
- ۲۴۷۶- چقدر بهار دارد، سوی دل نگاه کردن ۲۰۱۸
- ۲۴۷۷- جنون ما بیابانهاست از آوارگی بیرون ۲۰۱۹
- ۲۴۷۸- چنین کشته حسرت کیستم من؟ ۲۰۲۰
- ۲۴۷۹- چون موج گوهر ازین بحر بی تعب نگذشتن ۲۰۲۱
- ۲۴۸۰- چون ریشه درین باغ به افسون دمیدن ۲۰۲۲

- ۲۴۸۱- چون شمع تا چکیدن اشک است ساز من ۲۰۲۲
- ۲۴۸۲- چون صبح نخندد ز قبايم غم دامن ۲۰۲۲
- ۲۴۸۳- چون گهر هر چند بر دریا تند غوغای من ۲۰۲۳
- ۲۴۸۴- چون هلالم بی خم تسلیم آن اختر جبین ۲۰۲۳
- ۲۴۸۵- چه بود سر و کار غلط سبقان؟ در علم و عمل به فسانه زدن ۲۰۲۴
- ۲۴۸۶- چه دارد این گرو دار هستی؟ گداز صد نام و تنگ خوردن ۲۰۲۵
- ۲۴۸۷- حیا را دستگاه خود پسندی های طاقت کن ۲۰۲۶
- ۲۴۸۸- حیرت آهنگم، که می فهمد زبان راز من ۲۰۲۷
- ۲۴۸۹- خار خار کیست در طبع الم تخمیر من؟ ۲۰۲۸
- ۲۴۹۰- خداست حاصل خدمت گزین درویشان ۲۰۲۹
- ۲۴۹۱- خلقیست غافل اینجا، از کشتن و درودن ۲۰۲۹
- ۲۴۹۲- خم قامت نبرد ابرام طبع سخت کوش من ۲۰۳۰
- ۲۴۹۳- خوش عشرتست دم به دم از غم گریستن ۲۰۳۱
- ۲۴۹۴- خواه غفلت پیشگی کن، خواه آگاهی گزین ۲۰۳۱
- ۲۴۹۵- خوشا ذوق فنا و وحشت ساز شرر کردن ۲۰۳۲
- ۲۴۹۶- داغم ز ابر دیده به شبم گریستن ۲۰۳۳
- ۲۴۹۷- در جنون جوش سویدا تنگ دارد جای من ۲۰۳۳
- ۲۴۹۸- در خور گل کردن فقر است استغنائی من ۲۰۳۴
- ۲۴۹۹- درین وادی که می باید سراغ اعتبار من؟ ۲۰۳۵
- ۲۵۰۰- درس کمال خود گیر از ناله سر کشیدن ۲۰۳۶
- ۲۵۰۱- در شکوه صافدل ندهد رخصت زبان ۲۰۳۷
- ۲۵۰۲- درین محفل ندارد یمن راحت چشم واکردن ۲۰۳۸
- ۲۵۰۳- دست جرأت دیدم آخر مغتم در آستین ۲۰۳۹
- ۲۵۰۴- دل پیش نظر گیر، سر و برگ نمو کن ۲۰۴۰
- ۲۵۰۵- دل چیست که بی روی تو از درد تپیدن ۲۰۴۰
- ۲۵۰۶- دل را به باد دادیم، آه از نظر گشودن ۲۰۴۱
- ۲۵۰۷- دل روشن چه لازم تیره از عرض هنر کردن ۲۰۴۲
- ۲۵۰۸- دل گرنه داغ عشق فروزد، کباب کن ۲۰۴۲

- ۲۵۰۹-دمی ز عبرت اگر خم کند حیا گردن..... ۲۰۴۳
- ۲۵۱۰-دوری مقصد دمید، از سرکشیدن های من..... ۲۰۴۴
- ۲۵۱۱-دهر طوفان دارد از طبع جنون پیمای من..... ۲۰۴۴
- ۲۵۱۲-رساند عمر به جایی دل از وفا کنند..... ۲۰۴۵
- ۲۵۱۳-رسانده است به آن انجمن ز ما نرسیدن..... ۲۰۴۵
- ۲۵۱۴-روانی نیست محو جلوه را بی آب گردیدن..... ۲۰۴۶
- ۲۵۱۵-رخت سنگی ندارد ای شرر، وجد رهایی کن..... ۲۰۴۷
- ۲۵۱۶-زان تغافلگر چرا ناشاد باید زیستن؟..... ۲۰۴۸
- ۲۵۱۷-ز بس محو است نقش آرزوها در کنار من..... ۲۰۴۹
- ۲۵۱۸-ز پابوسش بهار حیرت جاوید سامان کن..... ۲۰۵۰
- ۲۵۱۹-ز پرده آبی اگر از قبای تنگ برون..... ۲۰۵۱
- ۲۵۲۰-ز خودداری نفس می زد، تب و تاب چراغ من..... ۲۰۵۱
- ۲۵۲۱-ز ره هوس به تو کی رسم؟ نفسی ز خود نرمیده من..... ۲۰۵۲
- ۲۵۲۲-ز سجده بی خبری، تا کی انفعال جبین؟..... ۲۰۵۳
- ۲۵۲۳-ز شوخی تا قدح می گیرد آن بیداد مست من..... ۲۰۵۳
- ۲۵۲۴-زهی به شوخی، بهار نازت، شکسته رنگ غرور امکان..... ۲۰۵۴
- ۲۵۲۵-زین شکر که تا کوی تو شد راهبر من..... ۲۰۵۵
- ۲۵۲۶-سجده خواربست آب رو پی نان ریختن..... ۲۰۵۵
- ۲۵۲۷-سخت جانی هرکجا آید به عرض امتحان..... ۲۰۵۶
- ۲۵۲۸-سراغ دل نخواهی از من دیوانه پرسیدن..... ۲۲۵۷
- ۲۵۲۹-سر به زیر تیغ و پا بر خار باید تاختن..... ۲۰۵۸
- ۲۵۳۰-سر طره ای به هوا فشان، ختنی ز مشک تر آفرین..... ۲۰۶۰
- ۲۵۳۱-سرمایه اظهار بقا هیچکسی کن..... ۲۰۶۰
- ۲۵۳۲-سوخت چون موج گهر بال تپیدنهای من..... ۲۰۶۱
- ۲۵۳۳-سوخته لاله زار من، رفته گل از کنار من..... ۲۰۶۲
- ۲۵۳۴-شکست حادثه بر ما نیافت دست کمین..... ۲۰۶۳
- ۲۵۳۵-ندارد موج جز طومار رمز بحر وا کردن..... ۲۰۶۴
- ۲۵۳۶-شکست رنگ که بود آیار این گلشن؟..... ۲۰۶۵

- ۲۵۳۷- شمع صفت دیدنیست، عجز جنون‌زای من ۲۰۶۵
- ۲۵۳۸- صبحست ازین مرحله یأس بدر زن ۲۰۶۶
- ۲۵۳۹- صف حرص و هوا درهم شکستی، کج کلاهی کن ۲۰۶۶
- ۲۵۴۰- صفا گل کرده‌ای، تا کی غبار رنگ نشکستن؟ ۲۰۶۷
- ۲۵۴۱- صفای دل به چراغ بقا دهد روغن ۲۰۶۸
- ۲۵۴۲- صورت اظهار معنی نیست محتاج بیان ۲۰۶۹
- ۲۵۴۳- ظلمست به تشویش دل، اقبال نمودن ۲۰۶۹
- ۲۵۴۴- عجز ما جولانگر تدبیرتوان یافتن ۲۰۷۰
- ۲۵۴۵- عرق دارد عنان احتیاج بی نقاب من ۲۰۷۱
- ۲۵۴۶- عرقها دارد آن شمع حیا، لیک از نظر پنهان ۲۰۷۲
- ۲۵۴۷- عمرها در پرده بود اسرار و هم ما و من ۲۰۷۳
- ۲۵۴۸- غرور خودنمایی تا کنیم از یکدگر پنهان ۲۰۷۴
- ۲۵۴۹- غم تلاش مخور، عجز را مقدم کن ۲۰۷۵
- ۲۵۵۰- غنیمت گیر چون آینه محوشان خود بودن ۲۰۷۵
- ۲۵۵۱- فلک چه نقش کشد؟ صرف بند و بست جبین ۲۰۷۶
- ۲۵۵۲- فلک نیست ره صبح لاابالی من ۲۰۷۷
- ۲۵۵۳- قد خم گشته را تا می‌توانی وقف طاعت کن ۲۰۷۸
- ۲۵۵۴- کار آسانی مدان، تاج و کمر برداشتن ۲۰۷۸
- ۲۵۵۵- گر به این ساز است دور از وصل جانان زیستن ۲۰۷۹
- ۲۵۵۶- گر به این واماندگی، مطلق عنان خواهم شدن ۲۰۸۰
- ۲۵۵۷- گر به خون مشتاقان، تیغ او کشد گردن ۲۰۸۱
- ۲۵۵۸- گرچه جز ذکر نمی‌گنجد حدیثی در زبان ۲۰۸۲
- ۲۵۵۹- گر حنا بر خاک پایت جبهه‌سا خواهد شدن ۲۰۸۳
- ۲۵۶۰- کرد حرف بی‌نشانم عالمی را ترزبان ۲۰۸۴
- ۲۵۶۱- گرد وحشت بس که برهم چیده است اجزای من ۲۰۸۵
- ۲۵۶۲- گر ز بزم آن بت ساقی لقب آید بیرون ۲۰۸۶
- ۲۵۶۳- گر قناعت را توانی داد سامان نگین ۲۰۸۶
- ۲۵۶۴- گر گدا دست طمع دزدد ز هم، در آستین ۲۰۸۷

- ۲۵۶۵- کس چو شمع من نبوده است آشنای سوختن..... ۲۰۸۸
- ۲۵۶۶- گشاد چشمی نشد نصییم، به سیر نیرنگ این دبستان..... ۲۰۸۹
- ۲۵۶۷- گل نشو و نما چندان شکست یأس چید از من..... ۲۰۹۰
- ۲۵۶۸- گل فروش از پرتو شمع من است این انجمن..... ۲۰۹۱
- ۲۵۶۹- گلی که کس نشد آینه اش مقابل او من..... ۲۰۹۲
- ۲۵۷۰- کی شود وهم تعلق، مانع وارستگان؟..... ۲۰۹۲
- ۲۵۷۱- ما را ز بار هستی، تا کی غم خمیدن؟..... ۲۰۹۴
- ۲۵۷۲- ما و نگاه شرمگین از تگ و تاز دوختن..... ۲۰۹۵
- ۲۵۷۳- مجو از ناله ام تاب نفس در سینه دزدیدن..... ۲۰۹۵
- ۲۵۷۴- محیط جلوه او موج خیز است از سراب من..... ۲۰۹۶
- ۲۵۷۵- منفعل خلق را ناز صنم داشتن..... ۲۰۹۷
- ۲۵۷۶- موج خونم هر قدر طوفان نما خواهد شدن..... ۲۰۹۸
- ۲۵۷۷- می روم هر جا به ذوق عافیت اندوختن..... ۲۰۹۹
- ۲۵۷۸- ندارد ساز صحبت ها بساط عافیت چیدن..... ۲۱۰۰
- ۲۵۷۹- نسزد ز جوهر فطرت، به جنون شبهه و شک زدن..... ۲۱۰۱
- ۲۵۸۰- نشاند عجزم بر آستانی که محوم از جیب تا به دامن..... ۲۱۰۲
- ۲۵۸۱- نفس عمارت دل دارد و شکستنش است این..... ۲۱۰۳
- ۲۵۸۲- نیامد کوشش بی حاصل گردون به کار من..... ۲۱۰۳
- ۲۵۸۳- نیست ممکن واژگونی های طالع بیش ازین..... ۲۱۰۴
- ۲۵۸۴- وارستگی ز حسن دگر می دهد نشان..... ۲۱۰۵
- ۲۵۸۵- هر چند نیست بی سبب از غم گریستن..... ۲۱۰۶
- ۲۵۸۶- همچو بوی گل ز بس بی پرده است احوال من..... ۲۱۰۶
- ۲۵۸۷- همعنان آهم آشوب جهان خواهم شدن..... ۲۱۰۷
- ۲۵۸۸- هوسها می دمد زین باغ، جوش گل تماشا کن..... ۲۱۰۸
- ۲۵۸۹- هویی کشید کلک قیامت صریر من..... ۲۱۰۹
- ۲۵۹۰- یاد ابروی کجی زد به دل ما ناخن..... ۲۱۰۹
- ۲۵۹۱- از بس که ضعف طاقت، بوسید روی زانو..... ۲۱۱۰
- ۲۵۹۲- ای پرفشان گرد نفس، چندی شرار سنگ شو..... ۲۱۱۱

- ۲۵۹۳- ای بسمل طلب، پی خون چکیده رو ۲۱۱۱
- ۲۵۹۴- ای بیخبر به درد دل ما رسیده رو ۲۱۱۲
- ۲۵۹۵- ای ز عنایت آشکار شخص تو و مثال تو ۲۱۱۳
- ۲۵۹۶- ای فکر نازکت را شبهت کمینی از مو ۲۱۱۳
- ۲۵۹۷- باز جو صبح کرده ام، تحفه بارگاه تو ۲۱۱۴
- ۲۵۹۸- به این موهومیم یارب که کرد آینه دار او؟ ۲۱۱۵
- ۲۵۹۹- پُر نارساست، سعی تحیر کمند او ۲۱۱۵
- ۲۶۰۰- بس که رشک قامت او سوخت سر تا پای سرو ۲۱۱۶
- ۲۶۰۱- بس که یاد قامت برباد داد اجزای سرو ۲۱۱۶
- ۲۶۰۲- به پیری هم نیم غافل، ز عشق آن کمان ابرو ۲۱۱۷
- ۲۶۰۳- به پیکرم شکن پوست کز چه داده به هر سو ۲۱۱۸
- ۲۶۰۴- تبسم تا چه گل ریزد، ز لعل می فروش او ۲۱۱۹
- ۲۶۰۵- چو سرشک بی سر و پاییم، قدمی نزد به هوای تو ۲۱۲۰
- ۲۶۰۶- دل آب گشت و نیست امید نگاه ازو ۲۱۲۱
- ۲۶۰۷- دل بسملیست کز تپش بی نشان او ۲۱۲۱
- ۲۶۰۸- دل هم نبرد ره به در کبرای تو ۲۱۲۲
- ۲۶۰۹- دل هوش باخته جمع شد، ز فسون موسی و طور تو ۲۱۲۳
- ۲۶۱۰- رفتی و دل نشست به خون در قفای تو ۲۱۲۳
- ۲۶۱۱- زین بزم شکل ساز نگر یا نوا شنو ۲۱۲۴
- ۲۶۱۲- سر نقش پا به بلندی برسد، ز شکوه خرام او ۲۱۲۵
- ۲۶۱۳- طبعی که شد طرب اثر نوشند او ۲۱۲۶
- ۲۶۱۴- گاه روی بر خاکم، گاه جبهه برزانو ۲۱۲۶
- ۲۶۱۵- کجایی ای جنون ویرانه ات کو؟ ۲۱۲۷
- ۲۶۱۶- گر از موج گهر نشنیده ای رمز خروش او ۲۱۲۷
- ۲۶۱۷- کو عبرت آگهی؟ که به تحقیق راه او ۲۱۲۸
- ۲۶۱۸- لباس کعبه پوشید از خط مشکین عذار او ۲۱۲۹
- ۲۶۱۹- ما غربت آشیانیم، ای بلبلان وطن کو؟ ۲۱۲۹
- ۲۶۲۰- من سنگدل چه اثر برم؟ ز حضور ذکر دوام او ۲۱۳۰

- ۲۶۲۱- منفعلم برکه برم، حاجت خویش از برتو؟ ۲۱۳۰
- ۲۶۲۲- مه نو می نماید امشبم از آسمان ابرو ۲۱۳۱
- ۲۶۲۳- نامفعلی گریه کن و چون مژه تر شو ۲۱۳۲
- ۲۶۲۴- نقاش تا کشد اثر فاتوان او ۲۱۳۲
- ۲۶۲۵- نمی گویم به عشرتگاه مجنون، جهد پیمارو ۲۱۳۳
- ۲۶۲۶- نمی گویم قیامت جوش زن یا شور طوفان شو ۲۱۳۴
- ۲۶۲۷- هر چند دورم از چمن جلوه گاه او ۲۱۳۵
- ۲۶۲۸- همچون نفس به آینه دل رسیده رو ۲۱۳۵
- ۲۶۲۹- امروز کیست محو تماشای آینه؟ ۲۱۳۶
- ۲۶۳۰- ای به اوج قدس فرش آستان انداخته ۲۱۳۶
- ۲۶۳۱- ای تماشایت چمن پرور به چشم آینه ۲۱۳۸
- ۲۶۳۲- به تو نقش صحبت ما چقدر به جا نشسته ۲۱۳۹
- ۲۶۳۳- به دست تیغ تو تا خون من حنا بسته ۲۱۳۹
- ۲۶۳۴- بر آرد گرم آتش دل زیانه ۲۱۴۰
- ۲۶۳۵- به رشته ات اثر وهم مدعاست گره ۲۱۴۰
- ۲۶۳۶- بر شعله تا چند نازیدن گاه ۲۱۴۱
- ۲۶۳۷- پرتوت هر جا پردازد کنار آینه ۲۱۴۲
- ۲۶۳۸- پری می فشان ای تعلق بهانه ۲۱۴۳
- ۲۶۳۹- بس که می جوشد ازین دریای حسرت، حب جاه ۲۱۴۳
- ۲۶۴۰- بس که ما را بر آن لقاست نگاه ۲۱۴۴
- ۲۶۴۱- به غبار این بیابان، نه نشان پا نشسته ۲۱۴۵
- ۲۶۴۲- بوی وصلی هست، در رنگ بهار آینه ۲۱۴۶
- ۲۶۴۳- تا به شوخی نکشد زمزمه ساز نگاه ۲۱۴۷
- ۲۶۴۴- تار پیراهن حیاست نگاه ۲۱۴۷
- ۲۶۴۵- چیست گردون؟ کایتقدر در خلق غوغا ریخته ۲۱۴۸
- ۲۶۴۶- حیرت حسن که زد نشتر به چشم آینه؟ ۲۱۴۹
- ۲۶۴۷- خلقیست محو خود به تماشای آینه ۲۱۴۹
- ۲۶۴۸- داد عجز ما ندهد سعی هیچ مشغله ۲۱۵۰

- ۲۶۴۹- در شکنج عزّت اند، ارباب جاه ۲۱۵۱
- ۲۶۵۰- در محیطی کز فلک طرح حباب انداخته ۲۱۵۲
- ۲۶۵۱- زد عرق پیمانه حسنی، ساغر اندر آینه ۲۱۵۲
- ۲۶۵۲- زین چمن در کف ندارد غنچه دل جز گره ۲۱۵۳
- ۲۶۵۳- عالم و این تردماغی های جاه ۲۱۵۳
- ۲۶۵۴- غبار خط، ز لعل او به رنگی سر برآورده ۲۱۵۴
- ۲۶۵۵- غبارم بر نمی خیزد، ازین صحرای خوابیده ۲۱۵۵
- ۲۶۵۶- گر نفس چینه به این فرصت بساط دستگاه ۲۱۵۶
- ۲۶۵۷- گر دهد رنگ تماشای تو پرواز نگاه ۲۱۵۷
- ۲۶۵۸- ندیدم در غبار و دود این صحرای خوابیده ۲۱۵۷
- ۲۶۵۹- ننگ دنیا بر ندارد، همّت معنی نگاه ۲۱۵۸
- ۲۶۶۰- نپنداری همین روز و شب از هم سر برآورده ۲۱۵۹
- ۲۶۶۱- نیست خاموشی به کار شمع محفل جز گره ۲۱۶۰
- ۲۶۶۲- نیست محروم تماشا جوهر اندر آینه ۲۱۶۱
- ۲۶۶۳- وهم شهرت بهانه ایم همه ۲۱۶۲
- ۲۶۶۴- هزار نغمه به ساز شکست ماست گره ۲۱۶۲
- ۲۶۶۵- آسوده است شوق ز دل پیش نگذری ۲۱۶۳
- ۲۶۶۶- آفت ایجاد است طبع از دستگاه خودسری ۲۱۶۳
- ۲۶۶۷- آه که با دلم نیست عهد وفاق الفتی ۲۱۶۴
- ۲۶۶۸- ازین نه منظر نیرنگ، تا برتر زخم جوشی ۲۱۶۵
- ۲۶۶۹- افتاده ام به راحت، چون اشک بی روانی ۲۱۶۶
- ۲۶۷۰- افسانه و فای، اگر گوش کرده ای ۲۱۶۷
- ۲۶۷۱- اگر با پای سروی، سعی آهم رهبری کردی ۲۱۶۸
- ۲۶۷۲- اگر جانی و گر جسمی، سراب مطلب مایی ۲۱۶۸
- ۲۶۷۳- اگر سیر زمین داری و گر افلاک می بینی ۲۱۶۹
- ۲۶۷۴- الهی سخت بی برگم، به ساز طاعت اندوزی ۲۱۷۰
- ۲۶۷۵- ای امل آورده، فطرت را چه رسوا کرده ای ۲۱۷۱
- ۲۶۷۶- ای آنکه رمز اخفا، با صد ترانه گفتی ۲۱۷۲

- ۲۶۷۷- ای بیخبر بکوش که مرد خدا شوی ۲۱۷۲
- ۲۶۷۸- ای جگرخون کن پوشیده و پیدا چه بلایی؟ ۲۱۷۴
- ۲۶۷۹- ای سعی نگون زین دشت، در سر چه هوا داری؟ ۲۱۷۴
- ۲۶۸۰- ای شیخ به تدبیر امل بیهده حرفی ۲۱۷۵
- ۲۶۸۱- ای گشاد و بست مژگان معمای پری ۲۱۷۶
- ۲۶۸۲- ای که در دیر و حرم مست کرم می آیی ۲۱۷۷
- ۲۶۸۳- ای لعبت تحیر، نور چه آفتابی ۲۱۷۷
- ۲۶۸۴- این چه طاووسی ناز است که اندوخته ای؟ ۲۱۷۸
- ۲۶۸۵- ای نفس مایه، درین عرصه چه پرداخته ای ۲۱۷۹
- ۲۶۸۶- ای نم اشک، هوس مایل مژگان نشوی ۲۱۷۹
- ۲۶۸۷- ای هوش سخت داغیست، یاد بهار طفلی ۲۱۸۰
- ۲۶۸۸- باز آمد در چمن یاد از صغیر بلبل ۲۱۸۱
- ۲۶۸۹- بازم به جنون زد، هوس طرح زمینی ۲۱۸۱
- ۲۶۹۰- به این تمکین خرامت، فتنه در خوابست پنداری ۲۱۸۲
- ۲۶۹۱- به جلوه تو نگه را ز حیرت اظهاری ۲۱۸۳
- ۲۶۹۲- به خاک ناامیدی نیست چون من خفته در خونی ۲۱۸۳
- ۲۶۹۳- به دل دارم چو شمع از شعله های آه سامانی ۲۱۸۴
- ۲۶۹۴- به ذوق عافیت ای ناله تاکی در جگر پیچی؟ ۲۱۸۵
- ۲۶۹۵- برواج بی نیازی اگر وارسیده ای ۲۱۸۷
- ۲۶۹۶- برخود مشکن تا همه تن رنگ نگردي ۲۱۸۷
- ۲۶۹۷- برداشتن دل ز جهان کرد گرانی ۲۱۸۸
- ۲۶۹۸- برون تاز است حسن بی مثال، از گرد پیدایی ۲۱۸۸
- ۲۶۹۹- بر هر گلی دمیده ست افسون آرزویی ۲۱۸۹
- ۲۷۰۰- بس که بی روی تو خجلت کرد خرمن زندگی ۲۱۹۰
- ۲۷۰۱- بس که گردید آبیاری ما ز پا افتادگی ۲۱۹۱
- ۲۷۰۲- به طبع مقبلان یارب، کدورت را مده راهی ۲۱۹۲
- ۲۷۰۳- به عجز کوش ز نشو و نما چه می جویی؟ ۲۱۹۳
- ۲۷۰۴- به عزم بسملم تیغ که دارد میل عریانی؟ ۲۱۹۳

- ۲۷۰۵- به غبار عالم جستجو، ز چه یاس خسته نشسته‌ای؟ ۲۱۹۴
- ۲۷۰۶- به گرد سرمه خفتن تا کی از بیداد خاموشی..... ۲۱۹۵
- ۲۷۰۷- به گلزاری که آن شوخ سمن پیکر کند بازی ۲۱۹۶
- ۲۷۰۸- به ما و من غلو دارد، دنی تا فطرت عالی ۲۱۹۷
- ۲۷۰۹- به مکتوب هوس از کیف و کم چه فهمیدی؟ ۲۱۹۸
- ۲۷۱۰- به ناقوس دل امشب از جنون خورده‌ست پهلویی ۲۱۹۹
- ۲۷۱۱- پوچست قماش تو به اظهار تلافی ۲۲۰۰
- ۲۷۱۲- به وحشت بر نمی آیم ز فکر چشم جادویی ۲۲۰۰
- ۲۷۱۳- به وحشت نگاهی چه خو کرده‌ای؟ ۲۲۰۱
- ۲۷۱۴- به وضع غربتم منظور بیتابیت آرامی ۲۲۰۲
- ۲۷۱۵- بهار آن دل که خون گردد به سودای گل روی ۲۲۰۳
- ۲۷۱۶- بهار است ای ادب مگذار از شوق تماشایی ۲۲۰۴
- ۲۷۱۷- به شهرت زد اقبال خلق از تباهی ۲۲۰۵
- ۲۷۱۸- به نمو سری ندارد گل باغ کبریايي ۲۲۰۵
- ۲۷۱۹- به هستی از گداز انفعالم نیست تسکینی ۲۲۰۶
- ۲۷۲۰- به یأس هم نپسندید ننگ بیکاری ۲۲۰۷
- ۲۷۲۱- به یمن سبقت جهد از هزار قافله گیری ۲۲۰۸
- ۲۷۲۲- بی تو دل در سینه‌ام دارد جنون افسانه‌ای ۲۲۰۹
- ۲۷۲۳- بی حاصلیم بست به گردن خم پیری ۲۲۱۰
- ۲۷۲۴- بی خبر از خود مگذر، جانب دل هم نظری ۲۲۱۰
- ۲۷۲۵- پیرو تسلیم باش آخر به جایی می‌رسی ۲۲۱۱
- ۲۷۲۶- تا چند کشد دل الم بیهده کوشی؟ ۲۲۱۲
- ۲۷۲۷- تا چند ناز غازه و رنج حنا کشی؟ ۲۲۱۳
- ۲۷۲۸- تا کجا آن جلوه در دلها کشد میدان سری ۲۲۱۳
- ۲۷۲۹- تا محرم طبیعت بلبل نمی‌شوی ۲۲۱۴
- ۲۷۳۰- تبسم از لبث چون موج در گوهر کند بازی ۲۲۱۴
- ۲۷۳۱- تبسم قابل چاکی نشد ناموس عریانی ۲۲۱۵
- ۲۷۳۲- تمثال خیالیم چه زشتی چه نکویی ۲۲۱۶

- ۲۷۳۳- تنش را پیرهن چون گل دمید افسون عربانی ۲۲۱۷
- ۲۷۳۴- تو با این پنجه نازک چه لازم رنگها بندی؟ ۲۲۱۸
- ۲۷۳۵- جز عافیت نیست به سودای تو ننگی ۲۲۱۹
- ۲۷۳۶- چند پیچد بر من بی دست و پا افتادگی؟ ۲۲۱۹
- ۲۷۳۷- چو بوی گل ز چه افسردگی مقید رنگی؟ ۲۲۲۰
- ۲۷۳۸- چو چینی شدم محو نازک ادایی ۲۲۲۱
- ۲۷۳۹- چو قارون ته خاک اگر رفته باشی ۲۲۲۲
- ۲۷۴۰- چه محو عشق شدی رهنما چه می جویی؟ ۲۲۲۲
- ۲۷۴۱- چو من به دامگه عبرت اوفتاده کمی ۲۲۲۳
- ۲۷۴۲- چون صبح دارم از چمنی رنگ جسته‌ای ۲۲۲۳
- ۲۷۴۳- جهان کورانه دارد سعی نخجیری به تاریکی ۲۲۲۳
- ۲۷۴۴- جهد کن تا نیروی بر اثر نیک و بدی ۲۲۲۴
- ۲۷۴۵- چه دارم در نفس؟ جز شور عمر رفته از یادی ۲۲۲۵
- ۲۷۴۶- چه دولت است نشاط تجدد اندوزی؟ ۲۲۲۶
- ۲۷۴۷- چه شد آستان حضور دل؟ که تو رنج دیر و حرم کشی ۲۲۲۶
- ۲۷۴۸- چه غافلی که ز من نام دوست می‌پرسی ۲۲۲۷
- ۲۷۴۹- چه لازم است درین عرصه عجز کیش برآیی؟ ۲۲۲۷
- ۲۷۵۰- چه معنی بیانی، چه لفظ آشنایی ۲۲۲۸
- ۲۷۵۱- چه می‌شد گر نمی‌زد اینقدر رنج نفس هستی ۲۲۲۹
- ۲۷۵۲- حبابت ساغر و با بحر طوفان پیش می‌آیی ۲۲۲۹
- ۲۷۵۳- حریف مشرب قمری نه‌ای، طاووسی نازی ۲۲۳۰
- ۲۷۵۴- حیرت قفسم، کو اثر عجز رسایی؟ ۲۲۳۱
- ۲۷۵۵- خشم را آینه پرداز ترحم کرده‌ای ۲۲۳۱
- ۲۷۵۶- خطابم می‌کند امشب، چمن دربار پیغامی ۲۲۳۲
- ۲۷۵۷- خطا پرست مباش ای به راستی عاری ۲۲۳۳
- ۲۷۵۸- خوش آن ساعت که چون تمثال از آینه فردی ۲۲۳۴
- ۲۷۵۹- خوشست از دور نذر محفل هم صحبتان بوسی ۲۲۳۵
- ۲۷۶۰- خیالت هر کجا تمهید راحت پروری کردی ۲۲۳۵

- ۲۷۶۱- خیالش بر نمی تابد شعور، ای بیخودی جوشی ۲۲۳۶
- ۲۷۶۲- دارد به من دلشده امشب سرچنگی ۲۲۳۷
- ۲۷۶۳- در آن محفل که الفت قابل زانوست پیشانی ۲۲۳۸
- ۲۷۶۴- در پرده هررنگ کمین کرده شکستی ۲۲۳۹
- ۲۷۶۵- در دل زد خیال پرتو مهرت سحرگاهی ۲۲۳۹
- ۲۷۶۶- در دلی اما به قصد اشکم افسون می کنی ۲۲۴۰
- ۲۷۶۷- در زندگی نگشتیم منظور آشنایی ۲۲۴۱
- ۲۷۶۸- در گرفته است زمین تا به فلک بی سرو پایی ۲۲۴۲
- ۲۷۶۹- درین محفل که پیدا نیست رنگ حسن مقصودی ۲۲۴۳
- ۲۷۷۰- درین حدیقه نه ای، قدردان حیرانی ۲۲۴۳
- ۲۷۷۱- درین مکتب که با آن طفل بازیگر کند بازی؟ ۲۲۴۴
- ۲۷۷۲- درین ویرانه بی سعی قناعت وانشد جایی ۲۲۴۵
- ۲۷۷۳- دلت فسرده جنونی کز آشیانه برآیی ۲۲۴۶
- ۲۷۷۴- دلدار قدح برکف، ما مرده ز مخموری ۲۲۴۶
- ۲۷۷۵- دمی که عجز شود دستگاه بیکاری ۲۲۴۷
- ۲۷۷۶- دور از بساط وصل تو ماییم و دیده ای ۲۲۴۸
- ۲۷۷۷- دوستان این خاکدان چون من ندارد دیگری ۲۲۴۸
- ۲۷۷۸- دیده ای داریم محو انتظار مقدمی ۲۲۴۹
- ۲۷۷۹- رفتی چو می از ساغر و دیگر نشستستی ۲۲۵۰
- ۲۷۸۰- رمی بیتابی، تغییر رنگی، گردش حالی ۲۲۵۱
- ۲۷۸۱- ز استغنا نگشتی مایل فریاد قربانی ۲۲۵۲
- ۲۷۸۲- ز بس که کرد تصوّر نگاه مژگانی ۲۲۵۲
- ۲۷۸۳- ز پیراهن برون آ، بی شکوهی نیست عریانی ۲۲۵۳
- ۲۷۸۴- ز چه ناز بال دعوی، به فلک گشاده باشی؟ ۲۲۵۴
- ۲۷۸۵- ز خویش رفته ام، اما نرفته ام جایی ۲۲۵۵
- ۲۷۸۶- ز دستگاه مبر زحمت گرانجانی ۲۲۵۵
- ۲۷۸۷- ز عریانی جنون ما نشد مغرور سامانی ۲۲۵۶
- ۲۷۸۸- ز غرور شمع و رعوتش همه جاست آفت روشنی ۲۲۵۷

- ۲۷۸۹- ز نفس اگر دو روزی به بقا رسیده باشی..... ۲۲۵۸
- ۲۷۹۰- ز نیرنگ خیال طفل شوخ شعله در چنگی..... ۲۲۵۹
- ۲۷۹۱- زین گلستان نیستم محتاج دامن چیدنی..... ۲۲۵۹
- ۲۷۹۲- سبکساریست هر که در نظرها بی درنگ آبی..... ۲۲۶۰
- ۲۷۹۳- سجده بنیادی، بساز ای جبهه با افتادگی..... ۲۲۶۱
- ۲۷۹۴- سرشکم صد سحر خندید و پیدا نیست تأثیری..... ۲۲۶۱
- ۲۷۹۵- شب چشم نیم مستش و اشک ز خواب نمی..... ۲۲۶۲
- ۲۷۹۶- شده عمرها که نشانده ام به کمین اشک چکیده ای..... ۲۲۶۳
- ۲۷۹۷- شرر کاغذی آرایش دکان نکنی..... ۲۲۶۴
- ۲۷۹۸- شور گمگشتگیم زد به در رسوایی..... ۲۲۶۵
- ۲۷۹۹- شهیدان وفا را درس دیداریست پنهانی..... ۲۲۶۶
- ۲۸۰۰- صد رنگ نقش بستیم در یاد گل جبینی..... ۲۲۶۷
- ۲۸۰۱- عبث ای دشمن تحقیق، دل از وسوسه خستی..... ۲۲۶۷
- ۲۸۰۲- عبث چون چشم قربانی، و بال مرد و زن بردی..... ۲۲۶۸
- ۲۸۰۳- عالمی برباد رفت از سعی بی پا و سری..... ۲۲۶۹
- ۲۸۰۴- عرق ریز خجالت، می گدازد سعی بیتابی..... ۲۲۷۰
- ۲۸۰۵- عمر سبک عنان کجاست؟ از نظرم تو می روی..... ۲۲۷۰
- ۲۸۰۶- عمر گذشت و همچنان داغ وفاست زندگی..... ۲۲۷۱
- ۲۸۰۷- عمریست همچو مژگان، از درد ناتوانی..... ۲۲۷۲
- ۲۸۰۸- عنانم گر نگیرد خاطر آینه سیمایی..... ۲۲۷۳
- ۲۸۰۹- غبارم می کشد محمل، به دوش ناله دردی..... ۲۲۷۴
- ۲۸۱۰- غبار هوش طوفان دارد، ای مستی جنون تازی..... ۲۲۷۴
- ۲۸۱۱- فریم می دهد آسودگی، ای شوق تدبیری..... ۲۲۷۵
- ۲۸۱۲- قدح از شوق لعلت، چشم بی خواهیست پنداری..... ۲۲۷۶
- ۲۸۱۳- قدح پیمای زخمم، در هوای آب پیکانی..... ۲۲۷۷
- ۲۸۱۴- گاه گل، گاه چمن، گاه هوا می گردی..... ۲۲۷۸
- ۲۸۱۵- کجا خلوت و انجمن دیده ای؟..... ۲۲۷۹
- ۲۸۱۶- کرد شبم را به خورشید آشنا افتادگی..... ۲۲۷۹

- ۲۲۸۱- گر از گوهر کمر سازی و گر دستار زر پیچی ۲۲۸۱
- ۲۲۸۲- گر به گردون می کشی گردن و گر در سجده ای ۲۲۸۲
- ۲۲۸۲- گر درین قحط سرایت نکند نان مددی ۲۲۸۲
- ۲۲۸۳- گرفتم شوخیت با شور صد محشر کند بازی ۲۲۸۳
- ۲۲۸۴- گر نیست درین میکده ها دور تمامی ۲۲۸۴
- ۲۲۸۴- گر همه رفتی چو ماه از چرخ برتر سجده ای ۲۲۸۴
- ۲۲۸۵- گر یک مژه چون چشم فراهم شده باشی ۲۲۸۵
- ۲۲۸۶- گه به رو می دوی، گاه به سر می آیی ۲۲۸۶
- ۲۲۸۶- که کشید دامن فطرت که به سیر ما و من آمدی؟ ۲۲۸۶
- ۲۲۸۷- کیستم من؟ نفس سوخته ای، منجمدی ۲۲۸۷
- ۲۲۸۷- کیسه پرداز خیال شادی و غم رفته ای ۲۲۸۷
- ۲۲۸۸- کیم من؟ شخص نومیدی سرشتی، عبرت ایجاد می ۲۲۸۸
- ۲۲۸۹- ما را نه غرور است نه فری نه کلاهی ۲۲۸۹
- ۲۲۹۰- ماییم و دلی، سر ورق بی سر و پایی ۲۲۹۰
- ۲۲۹۱- ماییم و گرد هستی حرمان دمیده ای ۲۲۹۱
- ۲۲۹۱- مباحش سایه صفت، مرده تن آسانی ۲۲۹۱
- ۲۲۹۲- محو بودم، هرچه دیدم دوش، دانستم تویی ۲۲۹۲
- ۲۲۹۲- مزد تلاشم به رخت، دیده ندارد گهری ۲۲۹۲
- ۲۲۹۳- مژه واری ز خواب ناز جستی ۲۲۹۳
- ۲۲۹۴- مژه به هم نرنی آینه به زنگ نگیری ۲۲۹۴
- ۲۲۹۵- معراج ماست پستی، اقبال ما زبونی ۲۲۹۵
- ۲۲۹۵- مشکل از هرزه روی، جز به تب و تاب رسی ۲۲۹۵
- ۲۲۹۶- مکش رنج تأمل گر زیان خواهی و گر سودی ۲۲۹۶
- ۲۲۹۷- من و دیوانه خو طفلی، که هر جا سر کند بازی ۲۲۹۷
- ۲۲۹۸- می جام قناعت اگر بجشی، المی ز جنون هوس نکشی ۲۲۹۸
- ۲۲۹۹- نبری گمان که یعنی به خدا رسیده باشی ۲۲۹۹
- ۲۲۹۹- ندارد ساز این محفل، مخالف پرده آهنگی ۲۲۹۹
- ۲۳۰۰- نشد آینه کیفیت ما ظاهر آرایی ۲۳۰۰

- ۲۸۴۵- نشد حجاب خیالم غبار جسمانی..... ۲۳۰۱
- ۲۸۴۶- که دم زند ز من و ما، دمی که ما تو نباشی؟..... ۲۳۰۲
- ۲۸۴۷- نفس در طلب سوختی، دل ندیدی..... ۲۳۰۳
- ۲۸۴۸- نقش ما شد و بال یکتایی..... ۲۳۰۳
- ۲۸۴۹- نگه از مستی چشم تو با ساغر کند بازی..... ۲۳۰۴
- ۲۸۵۰- نمی باشد چو من در کسوت تجرید عریانی..... ۲۳۰۴
- ۲۸۵۱- نمی باشد دل مأیوس بی کیفیت نازی..... ۲۳۰۵
- ۲۸۵۲- نمی دانم ز گلزارش چه گل چیده است حیرانی؟..... ۲۳۰۶
- ۲۸۵۳- نمی گنجم به عالم، بس که از خود گشته ام فانی..... ۲۳۰۷
- ۲۸۵۴- نه با صحرا سری دارم، نه با گلزار سودایی..... ۲۳۰۸
- ۲۸۵۵- نه نفس تربیتم کرد و نه دامن مددی..... ۲۳۰۹
- ۲۸۵۶- نیاز جلوه دارم حیرت آینه پروردی..... ۲۳۰۹
- ۲۸۵۷- کیم من از نصیب عالم اظهار، مأیوسی..... ۲۳۱۰
- ۲۸۵۸- یاد باد آن کز تبسم، فیض عامی داشتی..... ۲۳۱۱
- ۲۸۵۹- یک تار مو، گر از سر دنیا گذشته ای..... ۲۳۱۲